انتشارات کتابفروشی اسدی شماره ۶

تزوکات تیموری

تحریر ابوطالب حسینی تربتی بفارسی

با ترجمهٔ انگلیسی آن

از روی چاپ ۱۷۸۳ شهر اکسفرد

بطریق افست نقل شد

باهتمام کتابفروشی اسدی

طهران - میدان بهارستان

۱۳۴۲

دیباجه

آنچه بنام **واقعات تیموری** یا **ملفوظات تیموری** شناخته می‌شود کتابیست بفارسی که حاوی بعضی مطالب تاریخی استو بقلم شخصی بنام ابوطالب‌حسینی تربتی‌تحریر یافته و او دعوی کرده‌است که اصل کتاب بزبان ترکی جغتائی و بانشای امیرتیمور گورکان بوده است و یادداشتهای شخصی او بوده‌است از وقایع زندگانی‌و سلطنت خودش . این کتاب دوقسمت دارد ، یکی ملفوظات و دیگری تُزوك یا تُزوکات (بمعنی بنیانها و تأسیسات و طرحها و تعبیه‌ها) . همین‌قسم اخیراست که باراوّل‌در ۱۷۷۳در اکسفرد باترجمهٔ انگلیسی‌و مقدّمهٔ مفصّلی به انگلیسی انتشار یافت و خواننده اینك چاپ مجدّد آن‌را در دست دارد . مترجم کتاب به انگلیسی شخصی بنام میجر ویلیام دیوی Major W. Davy بوده‌استو مهیّا کنندهٔ متن فارسی از برای چاپو ناشر مجموع متنو ترجمه شخصی بنام جوزف هوایت Joseph White که در آن زمان در اکسفرد مدرّس زبان عربی بوده است . مصحّح و ناشر بعضی از عبارات متن‌را حذف کرده بوده‌و ترجمهٔ آنهارا هم نیاورده‌است ، مع‌هذا این متنو ترجمه‌خالی از ارزش نیست واقدام به تجدید طبع آن مفید می‌نمود . متن فارسی همین قسمت یعنی تزوکات در ایران بچاپ سنگی همراه قابوس نامه باهتمام رضاقلی‌خان هدایت لله باشی در۱۲۸۵ هجری منتشر شده ، و ترجمهٔ انگلیسی قسم نخستین یعنی ملفوظات نیز توسّط میجر چارلز

استیوارت Major Ch. Stewart در ۱۸۳۰ در لندن بچاپ رسیده است . قسم تزوکات بفرانسه هم ترجمه شده و مقالهٔ مفصّلی نیز به آلمانی در بارهٔ تمام کتاب تحریر شده‌است . رجوع شود به «ادبیّات ایران» تألیف استوری ج ۱ ص ۲۸۰ تا ۲۸۲ . عنوان تزوکات تیموری گاهی نیز بر هردو قسمت کتاب اطلاق شده‌است ، ولی آنچه در این دو قسم آمده‌است گویا اصل ترکی نداشته‌و از انشای امیر تیمور نبوده است . ابوطالب حسینی تربتی که خویشتن‌را مترجم این کتاب از ترکی بفارسی معرّفی می کند در مقدّمه‌ای که بران نوشته‌است دعوی می کند که در حرمین اشرفین در کتبخانهٔ جعفر پاشا حاکم یمن کتابی ترکی دیدم از ملفوظات عالی حضرت جنت مکانی فردوس آشیانی صاحبقرانی ... آن‌را از ترکی بفارسی نقل نمودم .

ظنّ اینکه این مطلب را ابوطالب حسینی راست نگفته باشد و تمام کتاب اختراع خود او و تلفیق و تحریر اخباری باشد که از کتابهای تاریخی مثل ظفرنامهٔ نظام‌الدّین شامی و ظفرنامهٔ شرف‌الدّین علی‌یزدی وغیره برداشته‌است بسیار قوی است ، مخصوصاً که دارای اغلاط تاریخی متعدّد است . از مقدّمهٔ کتاب دیگری بنام **ملفوظات صاحبقرانی** تألیف افضل بخاری برمی‌آید که در ۱۰۴۷ وقتی که‌این کتاب ابوطالب حسینی تقدیم شاه جهان گردید و بر وی خوانده شد آن پادشاه متوجّه خطاهای تاریخی آن واختلافاتی که بین مندرجات این کتاب‌و مضامین‌ظفرنامهٔ یزدی موجوداست گردید و به محمّدافضل پسر تربیت خان بخاری امر کرد آن را با کتب تاریخ مقابله کرده اغلاط آن‌را مرتفع سازد و عباراتی‌را که ابوطالب حسینی از خود

افزوده‌است حذف کند و کتاب‌را از نو بصورتی مفصّلتر انشا و تحریر نماید ــ و او این‌کار را کرد.

در اینکه‌درعهدامیرتیموریادداشتهائی دربارهٔ واقعات‌زندگانی او نوشته می‌شده‌است (نه توسط شخص او بلکه بقلم وقایع‌نگاران) گویا تردیدی نباشد، زیرا که غیاث‌الدّین علی‌یزدی آن‌را بدست داشته،و نظام‌الدّین شامی‌وشرف‌الدّین علی‌یزدی هردو از آنها استفاده کرده‌اند. در ظفرنامهٔ شامی (چاپ فلیکس تاور، ۱۹۵٦، ج ۱، ص ۱۰ تا ۱۱) اشاره‌ای باین‌خبر آمده‌است که ملخّص آن اینست: در سال‌هشتصدو چهار امیر صاحبقران باحضار بندهٔ کمینه نظام شامی‌مثال داد، واشارت عالی نفاذ یافت تاتاریخی که‌جهت‌آن حضرت و صادرات افعال ایشان از مبدأ ظهور این دولت ابد پیوند الی یومنا نوشته‌اندو ترتیب‌آن کما ینبغی بتقدیم نرسیده این بنده به تنقیح‌و ترتیب آن مشغول گردد، امّا بشرطی که از حلیهٔ تکلّف و پیرایهٔ تصلّف مصون‌و محروس‌باشد ... علما درحقّ سخن پسندیده گفته‌اند ما تُدرکه العامة ولا تُنکره الخاصة ... التزام کردم که سوانح حالات و وقایع‌صادرات ایام این‌دولت چنانچه تاغایت ضابطانی که حاضر بوده‌اند و ملازمانی که در سفرو حضر وقایع و حوادث‌را ناظر، ثبت کرده باشند لباس عبارتی پاك بی‌تکلّف پوشانند.

و شرف‌الدّین علی یزدی بتفصیل بیشتر در باب این‌مطلب بحث می‌کند و خلاصهٔ سخنان او اینست (ظفرنامه، چاپ‌کلکته، ج ۱، ص۲٤ وما بعد):

حضرت صاحب قران‌را در سفر و حضر پیوسته اعاظم ارباب

عمایم از سادات و علماءو فقهاءو اهل فضلو دانش از بخشیان ایغور و دبیران فرس ملازم می‌بوده‌اند و همواره جمعی ازیشان بر حسب فرمان هرچه وقوع می‌یافت از صادرات افعال و اقوال آن حضرتو واردات‌احوال ملك و ملّتو ارکان دولت همه‌را تحقیق نموده باهتمامی تمام قلمی می کردند ، وحکم چنان بود که هر قضیّه چنانچه درواقع بوده باز نموده‌شود بی تصرّفی‌دران بزیادتی و نقصان ... وهم‌به‌اشارت علیّهٔ آن حضرت اصحاب‌بلاغتو براعت آن‌را کسوت عبارت پوشانیده بنظمو نثردر سلك تألیف می کشیدند بهمان شرط که در ضبط آن‌رفته بود ، و بکرّات در مجلس عالی بسمع مبارك می رسانیدنـد تا وثوق تمام بصحّت آن حاصل می‌شدو بدین نمط منظومه‌ای ترکی و مؤلفی فارسی هریك ازان مشتمل بر معظّمات احوال و اوضاع آن حضـرت رقم زدهٔ‌کلك نظمو تألیف شده بود ... حضرت سلطنت پناهی (یعنـی شاهرخ) مجموع نسخ مذکوررا از منظومو منثور ترکیو فارسی از تمام ممالك طلب داشته جمع آمده بودو آماده نهاده ... الی آخر .

با وجود این نسبت کتاب ابوطالب حسینی به امیرتیمورامروز مورد قبول محققین نیست ، و اگرچه متنی ترکی وجود داشته است او آن‌را در دست نداشته ، و بهرحال آن‌هم انشای خود تیمور نبوده است ، و مسلماً بعضی از اشارات تاریخی آن با آنچه در ظفرنامه‌های شامیو یزدیو تواریخ دیگر آمده‌است اختلاف فاحش دارد . مع‌هذا کتاب بخواندن می‌ارزد ، و مخصوصاً از این‌حیث که‌فارسی وانگلیسی آن باهم‌است از برای دانش‌آموزان و دانشجویان سودمنداست .

در مقدّمه‌ای که جوزف‌هوایت بر متنو ترجمهٔ چاپ خودنوشته

است اطلاع داده‌است که : نسخه‌ای که متن از روی آن چاپ و با ترجمه‌منتشرشده‌است در کتبخانهٔ دکترویلیام‌هنتر Dr. W. Hunter محفوظ است*. ترجمهٔ فصلی از این نسخه‌را نمونه‌وار در ۱۷۸۰ من منتشر کردم و بسیارمورد توجه شد؛ و خواستم تمام‌را ترجمه کنم در نقل اصطلاحات نظامی‌و تعبیرات مأخوذ اززبان تاتاری چنان‌اشکالاتی پیش راه من آمد که ناچارکار ترجمه‌را به مستر دیوی محوّل کردم که هم‌ازلحاظ آشنائی‌بفنّ‌نظام ، وهم از جهت علم به‌زبان،شایستگی بیشتر دارد . ترجمه‌را تمام کردو بهندوستان رفت و کار نشر کتاب بعهدهٔ من افتادو در مراقبت نشرمتن‌و طبع ترجمه‌و تهیّهٔ فهرست به وظیفه‌ای که داشتم عمل کردم . طبع این‌متن‌و ترجمه علاوه براینکه خواننده‌را با محصول فکر تیمور آشنا می کندو از اعمال اوآگاه می سازد وسیلهٔ خوبیست از برای تعلّم زبان فارسی که امروز در مستملکات ما درهندوستان بجهت انگلیسیهائی که آنجا مانده‌اند وکار می کنند کمال لزوم را داردو موجب امتیازو مزیت‌است .

سپس‌نامه‌ای‌را نقل می کند که‌مستردیوی راجع به اصیل‌بودن یا حقیقت نداشتن نسبت این تزوکات به‌شخص امیرتیمور نوشته‌است . وی دلایل و براهینی بر صحّت این انتساب اقامه کرده‌است که کلیهٔ آنها استحسانی‌استو خود او اقرار کرده‌است که هیچ برهان تاریخی بر صحیح بودن این نسبت بدست نیاورده است . بعد از آنکه ملخّص اقوال شرف‌الدّین علی یزدی‌را (که سابقاً گذشت) ترجمه کرده و

* بنده نمی‌داندآن نسخه فعلاً کجاست و آن کتابخانه یاموزهٔ دکترهنتر چه شده‌است .

آورده است می گوید که ازروی همین یادداشتهاو بکمك آنها تیمور بعدها تاریخ‌زندگانی خودو طرحهاو تعبیه‌های‌خویش‌را شخصاً نگاشت ولی‌چون تاریخ‌خصوصی بود نسخهٔ آن منتشر نشد، و شرف‌الدّین‌علی یزدی‌ومیرخواند صاحب روضة‌الصّفا آن‌را ندیدند وفقط بدست‌مورخین دورترو متأخرتر (= ابوطالب حسینی !) رسید .

چون این گفتار مستر دیوی مبتنی بر دلیل‌و مدرکی نیست و بطلان این انتساب امروز مسلم‌است ارزش آن‌را ندارد که بتفصیل‌باز گفته شود .

جوزف هوایت در انتهای مقدّمهٔ خـود فهرستی از گفتارهـای حکیمانهٔ امیرتیمور که‌درضمن این کتاب آمده‌است چاپ کرده‌است. این فهرست‌را که بانگلیسی است شخصی از دوستان وی بنام‌هندرسن Hendersen از روی همین ترجمه ترتیب داده ، و عبارات استخراج شده ازان‌رادرتحت چهارعنوان : گفتارهای سیاسی ، گفتارهای‌نظامی، وقایع‌مهم ، گفتارهای دینی ، تدوین کرده است .

خردادماه ۱۳٤۲

مجتبی مینوی